



شهادت‌شانی

هجرت علمی

مقدمات علوم و ادبیات و مقداری از فقه را نزد پدر خود فرا گرفت. هنوز نخستین سالهای جوانی را طی نکرده بود که دیار پدر را ترک گفته، هجرت علمی را شروع کرد. اولین جایی که برای تحصیل علم اختیار کرد، شهری به نام "میس الجبل" بود. جوانی که در سیمایش آثار شوکت و جلال نمایان و در چهره اش نشانه‌هایی از قاطعیت، فطانت، فروتنی و هوشی سرشار تجلی می‌کرد، برای تحصیل، خدمت استاد بزرگ فقه شیخ علی بن - عبدالعالی کرکی، (محقق‌نانی)، "شرایع الاسلام" و "ارشاد" و "قواعد" را آموخت. این استاد بقدری در شاگردش شایستگی و لیاقت یافت که به او بیش از همه انس گرفت و علاقه پیدا کرد. زین الدین، پس از ۸ سال و سه ماه که استفاده شایانی از محضر استاد کرده بود، آن دیار را ترک گفت و رهسپار، کرک نوح شد. در "کرک" از درسهای استاد سید حسن سید جعفر عاملی - که او را به عنوان معلم شهیدنانی معرفی می‌کنند - بهره مند شد. و در محضر ایشان از فقه و ادبیات و اصول و فلسفه و کلام و علوم دیگر مستفیض گردید.

پس از گذشت هفت ماه، شوق دیدار وطن، او را به آنجا باز گرداند. دو سال در آنجا اقامت کرد و در تمام این مدت به مطالعه

امامی عالم و علامای سترگ، الگوی هر پرهیزگار و سرمشق هر بارسا، آفتابی درخشان که اشعه تابناک دانشهایش سراسر جهان اسلام را روشن ساخته، و پرچمی گلگون که در سایه اهتزازش پژوهشگران دانش و شیفتگان شهادت، راه راست را می‌جویند و هم بزم دلباختگان الهی کردند. این پیشوای بزرگ آنقدر شکوه و عظمت دارد که هر چه در بارها و نویسد کم است؛ در علم یگانه روزگار بود نه تنها در فقه و اصول و عقائد و درایت حدیث بی‌همتا، بلکه در فلسفه، شعر، ادبیات، ریاضیات و علوم طبیعی نیز دریا آسا و متبحر بود.

او که نمیتوان با چنین ستایش و توصیفی به شخصیتش بی‌برد، نامش زین الدین بن علی بن احمد جباعی عاملی است و فقیهان شیعه او را شهید نانی می‌نامند.

پدر، او را زین الدین نام نهاد و چه اسم با مسمائی کفا و براستی زینت و زیور دین بود. پدران او تا ۶ پشت از دانشمندان بنام شیعه می‌باشند. شیخ زین الدین عاملی در سیزدهم شوال ۹۱۱ - هجری، در قریه جباع - که از قدیم اقامتگاه شیعه بوده است، و علمای زیادی از آنجا برخاسته‌اند و امروز تحت اشغال صهیونیستها و فالانزها است - دیده به دنیا گشود.



الآن از اسلام اطلاعی نداشتیم

امام خمینی

و تحقیق و بحث، اشتغال داشت. جز اینکه اقبال شدید مردم بر وی و پذیرائی بی سابقه آنان، مجال مطالعه و ادامه تحصیل را به او نمی داد، لذا بناچار ترک دیار کرد و روانه دمشق شد. یکسال در دمشق نزد محقق فرزانه، شمس الدین محمد بن مکی فلسفه را آموخت و همچنین نزد ایشان برخی از تالیفات وی را در طب و هیئت درس گرفت. در همان شهر علم قرآنت را نزد شیخ احمد بن جابر شاطبیه آموخت. پس از آن باز دوسالی به وطن بازگشت و از آنجا دگر بار به دمشق رفت و از اساتید اهل سنت استفاده نایابی نمود.

وی سپس از دمشق به مصر مسافرت کرد و در آنجا نزد استادان متعددی، از جمله شیخ شهاب الدین احمد رملی شافعی تحصیل کرد و در سال ۹۴۳ از ایشان اجازه نامه گرفت. همچنین هیئت و هندسه را نزد ملا حسین جرجانی، و نحو و ادب را نزد ملا محمد استرآبادی و علم معانی و منطق را نزد ملا محمد علی کیلانی و حدیث را نزد شیخ شهاب الدین جنبلی، و علم قرآنت را نزد شیخ شمس الدین بن ابی النحاس و حساب را نزد محمد بن عبد القادر شافعی و علوم عقلی و نقلی دیگر را نزد استادان و متخصصان آموخت.

خلاصه هیچ علم و دانشی در آن زمان نبود که شیخ نزد متخصصانش با کمال فروتنی و تواضع، شاگردی نکرده باشد و در آن علم سرآمد دیگران در دوران خود نشده باشد. بواسطه زندگی شایسته این رادمردانی است که هیچ لحظه و دقیقه ای را به بطلت و بی کاری نمی گذرانند و همواره در پی تحصیل تقوی و دانشند و بینشانند، و این همه زرق و برق دنیا ذره ای از کوشش و جدیت آنها در فراگیری علوم نمی گاهد و هواهای نفسانی و تمایلات شیطنی کوچکتر و حقیرتر از آن است که آنان را به خود وادارد و از خدا دور کند. رفت و آمد دنیا برایشان یکسان، و تمام همشان خدمت به اسلام و مسلمانان و کسب علم و دانش است که این راهم برای خدمت می خواهند. شهید ثانی از آن چهره های درخشانی است که نه در زمان خود بلکه در تاریخ کم نظیر است.

باروری اندیشه

شهید ثانی پس از آنهمه سفرهای علمی، و فراگیری دانشهای گوناگون، به حجاز مسافرت کرد، و برای ادای حج و عمره به زیارت خانه خدا مشرف شد. پس از آن به "جباغ" (وطن خویش) باز-

گشت. مردم به وی رو آوردند طلاب کرد و جودش جمع شدند و از محضر مبارکش استفاده می نمودند. آن بزرگوار هم که نه تنها در فقه و اصول و علوم قرآنی سرآمد دیگران بود بلکه در علوم و فنون دیگر - از قبیل هیئت، ریاضیات، منطق و فلسفه نیز همتایی نداشت، بطور طبیعی برای درس دادن و راهنمایی کردن ورهبری نمودن انتخاب شد و ضمن اینکه به تدریس و تالیف اشتغال داشت، به امور و مشکلات مردم رسیدگی می کرد و مراکز خدماتی عمومی برای مردم نیز بنا می نمود.

از سال ۹۴۸ (هجری قمری) بود که علما و مجتهدین او را به عنوان شایسته ترین فرد برای مرجعیت و تقلید معرفی کردند، مرجعیت امت را به او واگذار نمودند. بنا براین، عمر آن بزرگوار به چهل سال نرسیده بود که مردم در امر تقلید به او رجوع کردند. و البته این نشانهای از نبوغ فوق العاده و نظر لطف و مرحمت الهی به وی بود که او را در سنین جوانی به این مقام بلند رساند.

آثار علمی وی متجاوز از ۲۰۰ کتاب است که حدود ۲۰۰ کتاب آن در بین مردم مشهور شده و در تاریخ نقل کرده اند - از مهمترین موضوعاتی که شهید ثانی و دیگر پاسداران بزرگ اسلام برای آن آموزش قائل بوده اند، همانا فقه و اصول فقه است. شهید ثانی در فقه کتابهای بسیاری دارد، که برخی از آنها را نام می بریم:

۱- الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة: معروف به کتاب "شرح لعمه" که نقد و تفسیری است بر کتاب "لعمه" نوشته شهید اول و تقریباً یکدوره فقه کامل است. تا کنون بیش از ۹۰ حاشیه و شرح بر این کتاب نوشته شده و مورد استفاده عموم طلاب - بدون استثنا - می باشد.

۲- "مسائل الإیضام فی شرح شرائع الإسلام": کتاب بزرگی است در فقه و شرح بر "شرایع" محقق حلی است که از جمله در ۷ جلد در لبنان به چاپ رسیده است.

۳- "روض الجنان فی شرح ارشاد الاذهان": در فقه استدلالی بهرامون طهارت و نماز.

۴- "شرح الفیة شهید اول".

۵- وجوب صلاة الجمعة: با اینکه بسیاری از علما نماز جمعه را در زمان غیبت واجب تعیینی نمی دانند، ولی همچنانکه از نام این کتاب پیدا است ایشان نماز جمعه را واجب تعیینی دانسته است.

۶- شرح نقلیه شهید اول در نوافل و نمازهای مستحبی.

۷- جواهر الکلمات فی صیغ العقود و الایقاعات.

۸- رساله فی الاجتهاد.

۹- حاشیه علی خلافات الشرایع.

۱۰- رساله فی الإجماع.

۱۱- رساله فی میراث الزوجة.

۱۲- رساله فی فتوی الخلاف من اللمعة.

۱۳- رساله فی عدم جواز تقلید المیت.

۱۴ - رساله في حكم المقيمين في الاسفار.

کتابها و رساله‌های مختصر دیگری هم در فقه دارد ، که این مختصر گنجایش ذکر آنها را ندارد . برخی دیگر از کتابهای شهید ثانی در علوم مختلفه را نقل می‌کنیم :

۱۵ - تمهید القواعد الأصولية والعربية : ۱۰۰ قاعده در

اصول و ۱۰۰ قاعده در زبان عربی .

۱۶ - حقائق الايمان : بحثی کلی در اصول دین بویسزه

امامت و ردّ بعضی از شبهه‌های ملحدین .

۱۷ - الدرایة و شرحها : در علم درایت و حدیث شناسی

مرحوم آیت الله سید حسن صدر در تاسیس الشیعه می‌نویسد ، که اینان اولین دانشمند شیعی است که در این علم کتاب نوشته است .

۱۸ - " منیة المرید فی آداب المفید والمستفید " : این

کتاب تحولی عظیم در جهان تربیت و انسان‌سازی پدید آورد آنچه بر استاد و شاگرد لازم است که دارا باشند ، از قبیل اخلاق پسندیده

و احترام متقابل و آداب درس خواندن ، و همچنین آنچه بر قاضی در حال قضاوت لازم است ، و آنچه بر کسی که بر کرسی افتاد تکیه

زده است واجب است ، در این کتاب آمده است . برنامه‌های تربیتی ، انگیزه درس خواندن ، شرایط انتخاب استاد و معلم ،

تنظیم اوقات درسی ، تنوع مواد آموزشی و درجه بندی دروسها و تنظیم کلاسهای درسی ، این برنامهها انقلابی نوین در عالم

آموزش و پرورش ایجاد کرد ، که این نوآوری و ابداع را می‌توان مقدمه یک پیروزی بزرگ در این میدان دانست .

۱۹ - التنبیهات العلیة فی وظائف الصلوة القلبیة .

۲۰ - رساله فی الولاية .

۲۱ - منار القاصدين فی اسرار معالم الاحکام الدین .

۲۲ - الرجال و النسب .

۲۳ - العقود فی اسرار معالم الدین .

۲۴ - رساله فی العدالة .

۲۵ - منظومة فی النحو و شرحها .

۲۶ - فوائد خلاصة الرجال .

۲۷ - مسکن الفوائد .

۲۸ - اسرار الصلوة .

۲۹ - رساله الغیبة .

۳۰ - جواب المسائل الثامیة .

۳۱ - جواب المسائل الهندیة .

۳۲ - جواب المسائل النجفیة .

۳۳ - جواب المسائل الخراسانیة .

۳۴ - رساله فی البسلة .

۳۵ - حاشیة علی عقود الارشاد .

۳۶ - رساله فی آداب الجمعة .

۳۷ - عیبة القاصدين فی اصطلاحات المحدثین .

۳۸ - شرح حدیث " الدنيا مزرعة الآخرة " .

شهید ثانی از طبع شعر زیبایی نیز برخوردار بود که در گنجینه گاه وقت خود را صرف سرودن شعر نمی‌کرد ولی اگر هم شعری

می‌گفت بسیار جالب و موزون و پرمعنی بود . هنگامی که به زیارت حضرت رسول ((ص)) مشرف شد ، تا چشمش بمحرم پیامبر ((ص)) افتاد

بالبداهه قصیدهای زیبا سرود که مطلعش این است :

حلاة و تسلیم علی اشرف الوری ومن فضله یتبوع الحد والحصر
ومن قد رقی السبع الطباق یتعلله و عوضه الله البراق عن المهر

و خاطبه الله العلی بحبسه شفاها و لم یحصل لعبد ولا حصر
عدو لی عن تعداد فضلک لائق یکل لسانی عنه فی النظم والنثر

وماذا یقول الناس فی مدح من اتت مدائحہ الفراء فی محکم الذکر
سمعت الیه عاجلا سعی عاجز بعقب ذنوب جمعة أنقلت ظهیری

ولکن ریح الشوق حرکه همیسی و روح الرجاء ضعف نفسی ومع فقری
ومن عادة العرب الکرام یوفدهم اعادته بالخیر والحبر والوفر

فحقق رجائی سیدی فی زیارتی بنیل منائی والشفاعة فی الحشر
و اینک ترجمه این ابیات را نقل می‌کنیم :

حلام و درود بر برترین انسان که فضاثلش افزونتر از حد شمارش است .
آن که با برهفت گنبد گردون نهاد .

و خداوند بجای اسب براق به او عطا فرمود .
خدای بزرگ با وی سخن گفت ، که هیچ کسی تا کنون بسندان

افتخار نائل نیامده است .
از شمردن فضائل همان به که دست کشم .

زیرا ربانم از بیانش ، چه به شعر و چه به نثر عاجز است .
چه میتوان گفت در مدح و ستایش کسی که ستایشش در قرآن

مجید آمده است ؟
عاجزانه و لنگ لنگان با بار گران گناه که بر دوشم سنگینی

میکند به سوش شتابان آدمم .
با وجود ناتوانی روحی و بی‌نواشی ام ، نسیم شوقش .

و روح امید به لطفش ارادام را به تکاپو در آورد تا روانه
کوبش شدم .

اعراب میهمان نواز عادتشان چنین است که هر کسی بر آنها
فرود آید با نعمت فراوان و خیر بسیار بر میگردد .

سرور من ! اینک که به دیدار و میهمانیت شتافتام ، مرا به
آرزوهایم برسان و در روز رستاخیز شفیع باش .
ادامه دارد .